

# دو کتاب ارحمند درباره حافظ

- ایات بحث انگیز حافظ
- پرده گلریز (تکرار مضمون در کلام حافظ)

• دکتر ابراهیم قیصری

• انتشارات توس، چاپ اول ۱۳۸۰

مسعود قانگی

## دو کتاب ارحمند درباره حافظ

بعضی کتابهاست که همیشه و هر جا قابل خواندن است. چه در سفر و چه در حضر، تروفز خوانده می شوند. این قبیل کتابها در کنار زندگی ماشینی رشد کرده و بازار گرم یافته اند. زندگی نامه ها، خاطرات شخصی، بعضی آثار داستانی و برخی آثاری که زبان و بیان طنز دارند از این شمارند. بعضی کتابهای دیگر که محصول تلاش و عرق ریزی ذهن مؤلف و یادگار سالها تعمق و مطالعه مستمر پدید آورنده آن است، از لون دیگر است به گونه ای که حتی مطالعه اش، آسودگی فکر و جمعیت خاطر می طلبد. این گروه کتابها به همان اندازه که بر دوش اندیشه خواننده می نشیند، همان قدر شخص خواننده را به دیدار افق افکار دور رهنمون می شود. اکثر آثار پژوهشی - به شرط اصالت کار - و نیز ترجمه آثار نویسندگان بزرگ را می توان در این ردیف آورد.

امسال هم زمان با برگزاری نمایشگاه کتاب در تهران (اردیبهشت ۱۳۸۰) دو کتاب ارزشمند درباره حافظ به خامة استاد فاضل و فرزانه آقای دکتر ابراهیم قیصری، پژوهشگر دقیق سخن، زینت بخش غرغه کتاب «انتشارات توس» بود که تا امروز آن چنان که در بایست این دو اثر است، مورد نقد و معرفی قرار نگرفته، این کم لطفی اصحاب ادب آیا گویای کساد بازار حافظ شناسی است؟ چه هنوز هستند صیرفیان معنی که به چنین آثاری سره، از سر تا مل و تحقیق نگردند و میزان تلاش طاقت سوز مؤلف و فایده بخشی وسیع آن را به اهل سخن بشناسند.

صاحب این قلم در حد شناخت و توان ناچیز خود، از این دو پیمانه نوشیده و در این مقال به دیگران، جرعه ای خواهد چشایند.

این دو کتاب به ترتیب نقد و معرفی عبارتند از:

۱- پرده گلریز با عنوان فرعی «تکرار مضمون در کلام حافظ» در بیش از ۳۶۰ صفحه

۲- ایات بحث انگیز دیوان حافظ با بیش از ۹۰۰ صفحه

مؤلف محترم درباره عبارت «تکرار مضمون در کلام حافظ» می نویسد: «عبارت اخیر در نگاه اول، توی ذوق می زند و دور از شان و شکوه خواجه در عالم شعر و شاعری به نظر می رسد زیرا تکرار ظاهراً چه در نظم و چه در نثر به جز موارد خاص، نشان ضعف در کار شاعری و نویسندگی است اما در شعر حافظ خواهیم دید که این گونه تکرار، نه تنها دلیل ناتوانی در کار آفرینشهای هنرمندانه کلام و کسب کوه در خزانه سرشار خیال و ذوق حافظ نیست، بلکه تسلط و توانمندی صدر نشین دیوان غزل را نشان می دهد. (ص ۸) این دو سه

سطر، نشان دغدغه خاطر استاد است که مبدا کسی چنین توهم کند که ایشان در این کتاب بر ضعف و نقص حافظ انگشت نهاده اند در حالی که، اولاً تکرار در سخن حافظ عیب نیست، چه به قول ناصر خسرو:

در شعر ز تکرار سخن پاک نباشد

زیرا که خوش آید سخن نغز به تکرار  
ثانیاً کدام شاعر است که تکرار - اعم از مضمون و تصویر و ترکیب - در سخنش نباشد، برای مثال تا آنجایی که آشنایی دارم در شاعر تکرار مضمون و ترکیب در سخنشان محسوس است. نخست مسعود سعد سلمان (۵۱۵-۴۳۸ هـ) و دیگری محمدعلی صائب تبریزی (ف. ۱۰۸۶ هـ. ق) است با این تفاوت که قراین تکرار در دیوان مسعود سعد که مشتمل بر مضارع و ترکیب و مضمون است، تقریباً همگی یکدست و محکم است، ولی قراین تکرار در دیوان صائب، فراز و فرود، یابیه اصطلاح قدما غث و سمین فراوان دارد. به باور نگارنده تکرار در شعر مسعود سعد، از محدودیت مکان و تکرار دیدگاه شاعر، یعنی زندانهای شاعر در بهترین سالهای عمر او ناشی می شود. اما تکرار در شعر صائب، احتمالاً نتیجه فراوان سخنی اوست و این یک امر طبیعی است، اما قرینه تکرار در کلام حافظ که موضوع بحث و پژوهش آقای دکتر قیصری در کتاب پرده گلریز بوده با ذکر نکته ای بررسی و دنبال می شود:

قرینه تکرار دو وجه دارد: لفظی و معنوی، قرینه تکرار به اعتبار لفظ، نقل یک مضمون یا مفهوم را در دو یا چند بیت مختلف گویند. با کلماتی اغلب مشترک، مثلاً به این آیات هم معنی از حافظ توجه شود.

۱) او را به چشم پاک توان دید چون هلال

هر دیده جای جلوه آن ماهواره نیست

۲) نظر پاک اتواند رخ جانان دیدن

که در آینه، نظر جز به صفا نتوان کرد

۳) غمیل در اشک زدم کاهل طریقت گویند

پاک شواول و پس دیده بر آن پاک انداز

۴) چشم آلوده نظر از رخ جانان دور است

بر رخ او نظر از آینه پاک انداز

کلمات «چشم، نظر، دیده، پاک، رخ، دیدن، جانان» کلمات

مشترک یا تکراری این چند بیت هستند. قرینه تکرار، به گونه معنایی

به این دو بیت مختلف از حافظ توجه شود:

۱) شب تاریک و بیم موج و گردابی چنین هایل

کجا دانند حال ما سبکیاران ساحل ها

پارسایان مددی تا خوش و آسان بردم  
که مضمون مشترک آنها تقریباً چنین است: «سبکباران را غم  
گرانباران نیست».

آقای دکتر قیصری در کتاب مورد بحث به هر دو وجه پرداخته‌اند  
و مسلم است که شناخت و گردآوری ابیات هم مضمون و تنظیم آنها  
در زیر ۸۴۰ عنوان مضمون مشترک، کار سترگ و ارجمندی است و  
گویای تسلط ذهن استاد بر دقایق سخن حافظ. قسمت توضیحات  
پایانی کتاب که روشنگر بعضی مطالب و ابهامات است، گواه صادق  
اشراف مؤلف بر مطالب و مآخذ است که دیگران درباره حافظ  
نگاشته‌اند و البته بر ارزش و اعتبار کتاب افزوده است. مثالی در این  
مورد می‌آورم، آقای دکتر قیصری در ص ۸۲ کتاب «گلریز» در زیر بیت:  
جمال یار ندارد نقاب و پرده ولی

غبار ره نشان تا نظر توانی کرد  
عبدی را به عنوان شماره توضیح، نوشته‌اند و در صفحه ۳۵۷  
کتاب (قسمت توضیحات) به ذکر ابیاتی از شاعران دیگر، به نقل از  
حاشیه دیوان حافظ، تصحیح انجوی شیرازی و نیز توضیحاتی ممتنع  
از کتابهای گلدشت در شعر و اندیشه حافظ از دکتر ریاحی و  
حافظ‌شناسی ج ۹، مقالاتی درباره زندگی و شعر حافظ، با ذکر مآخذ  
دقیق درباره بیت مزبور نقل کرده‌اند، آیا همین رعایت امانت بر اعتبار  
کتاب و سخن نمی‌افزاید؟ نکته دیگر معمولاً در کتابهای تحقیقی  
جایی بر ابراز جملات ذوقی نیست. اما جناب مؤلف، گاه گاهی با  
جمله‌ای دلنشین و زیبا چون تک مضرابی شیرین بر گریابی متن  
افزوده‌اند، مثلاً در ص ۲۱۷ آورده‌اند (... سخنی است بر مذاق ملاتیان  
که نه طالب شهرت و خوش نامی‌اند و نه از بدنامی می‌هراسند طوبی  
لهم) یا در توضیح بیت معروف (درخت دوستی نشان که...)  
افزوده‌اند که: (در گلستان، غزل سعدی هم درخت دوستی) قد  
برافراشته است و این بیت شیخ اجل را شاهد آورده‌اند که:

شراب وصلت اندر ده که جام هجر نوشیدم

درخت دوستی نشان که بیخ صبر برکندم  
همچنین در حاشیه ص ۲۹۸ کتاب نوشته‌اند: «شواهد تکراری در  
صفات (شراب، باده، می) راهمه ذیل کلمه (شراب) یک کاسه کردیم»  
آخرین نکته‌ای که دوست دارم در وصف خوبیهای این شاهد  
بازاری بگویم، این است که با مطالعه بعضی قراین تکرار، و دقت در  
تشابه برخی اشعار خواجه این حدس در خواننده نیرو می‌گیرد که آیا  
زمان سرایش بعضی از این ابیات نزدیک به هم نبوده است؟ آیا به  
کمک این قرینه‌ها می‌توان به تاریخ بعضی غزلیات یا قطعات یا به  
طرحی دقیق‌تر از آنچه دکتر محمود هومن در کتاب حافظ چه  
می‌گوید درباره زندگی خواجه شیراز آورده، دست یافت؟ یا به ترتیب  
زمانی کلام حافظ - جز آنچه امروز در دست است - دست یافت؟  
کاری از آن گونه که مثلاً در دیوان کمال‌الدین اسماعیل اصفهانی  
تصحیح دکتر بحرالعلوم می‌بینیم یا اخیراً آقای دکتر مهدی نوریان  
در کتاب پر کوهسار فریاد - گزیده اشعار مسعود سعد - تنظیم کرده  
است. یکی در مثال از خواجه راز در این باره می‌آوریم.  
در ص ۷۸ کتاب گلریز به دنبال چند بیت دیگر این دو بیت از دو  
غزل متفاوت آمده است:

الف) من رمیده ز غیرت ز پا فتامد دوش

نگار خویش چو دیدم به دست بیگانه  
ب) نگار خویش به دست خسان همی بینم  
چنین شناخت فلک حق خدمت چو منی  
(از چاپ قدسی)

یا در ص ۱۶ به این دو بیت برمی‌خوریم که:

۱) صف نشینان نیک خواه و پیشکاران با ادب

دومستداران صاحب اسرار و حریفان دوست کام

۲) دومستداران دوست کامند و حریفان با ادب

پیشکاران نیکنام و صف نشینان نیک خواه

بیت اول از غزل ۳۰۹ (چاپ قزوینی) و بیت دوم از قطعه‌ای

است با این مطلع:

ساقیا پیمانہ پر کن زان که صاحب مجلس است

آرزو می‌بخشد و اسرار می‌دارد نگاه

و مؤلف محترم بجای و دقیق می‌گویند که: «فضای غزل و قطعه

بسیار به هم نزدیک است»

اما...

۱. مشهورترین نقص این کتاب ارجمند، اغلاط مطبعی آن است،

چنانچه بیش از ۴۰ مورد آن را یادداشت کردم و چون با جناب مؤلف

گرامی آن را در میان نهادم، ایشان فرمودند من نزدیک به یکصد و پنجاه

غلط مطبعی در آن یافته‌ام. صاحب این کلمات، این کتاب را با این

نقص مسلم دور از اعتبار انتشارات محترم توس و مدیر فاضل و

بزرگوار آن، آقای محسن باقرزاده می‌داند. امید است که در چاپ

بعدی به این نکته چشم عنایتی داشته باشند.

۲. پسندیده، حتی لازم بود که ابیات شاهد هر موضوع و عنوان

آمده در کتاب، بر اساس حرف پایانی قافیه یا ردیف تنظیم می‌شد،

همان گونه که غزلیات حافظ بر آن اساس نظم یافته است، امروز به

کمک رایانه، این پریشانی، به آسانی قابل سامان یافتن است.

۳. بعضی از اغلاط و لغزشهایی در کتاب دیده می‌شود که

نمی‌توان آنها را فقط از شمار اغلاط مطبعی دانست. مثلاً آیاتی که در

ص ۳۲ آمده، هم از نظر شماره آیه، نادرست است، هم غلط مطبعی

فراوان دارد، یا در صفحه ۲۸ صورت صحیح مصراع اول بیت شماره

۸ چنین است: «چشم از آینه‌داران خط و خالش گشت» که گذشته

از غلط مطبعی «آینه» به جای «گشت»، «باد» آمده است.

یا در ص ۸۱ این بیت را آورده‌اند:

گفتم که خطا کردی و تدبیر نه این بود

گفتا چه توان کرد که تقدیر چنین بود

در صورتی که به استناد تحقیق مرحوم محیط طباطبایی، این بیت

مطلع غزلی است از سلمان ساوجی نه حافظ<sup>۲</sup>

در ص ۱۳۰ این بیت را نقل کرده‌اند که:

این جان عاریت که به حافظ سپرده دوست

روی رخسار بینم و جان را فدا کنم

که صورت صحیح مصراع دوم، چنین است: روزی رخسار بینم

و تسلیم وی کنم.

۴. در ص ۲۴۶، در زیر عنوان «بندگی‌های حافظ» اولاً بیت شماره

۱ با شماره ۴ یکسان است، ثانیاً در بیت شماره ۸ یعنی:

خوشم آمد که سحر خسرو خاور می‌گفت

با همه پادشهی بنده توران شاهم

چرا این بیت را به حساب بندگیهای حافظ نهاده‌اند؟ «خسرو

خاور» استعاره از خورشید است، همان گونه که در ص ۲۷۳ یعنی در

جای دیگر کتاب به صحت این استعاره توجه فرموده‌اند.

۵. در ص ۳۲۰ مصراع دوم بیت زیر:

ای که با زلف و رخ یارگذاری شب و روز

فرصت باد که خوش صبح و مسایی داری

به گونه نادرست نقل شده است، صورت صحیح آن چنین است،

«فرصت باد که خوش صبحی و شامی داری» و شامی واژه قافیه

است پس نمی‌تواند تغییر پذیرد.

۶- در ص ۳۲۸ در شمارش ابیات، اعدادی را که ذکر کرده‌اند، نادرست است.

یکی دو مضمون از مقوله قرینه تکرار در ابیات حافظ دیدم که از قلم استاد بزرگوار، ساقط شده بود بدین سبب اینجا یادآور می‌شوم.

رفتن عمر «شتاب در رفتن»

(۱) ایام گل چون عمر به رفتن شتاب کرد

ساقی به دور باده گلگون شتاب کن

(۲) بر سر گشته خود می‌گذرد هم چون باد

چه توان کرد که عمر است و شتابی دارد

(۳) من پیر سال و ماه نیم یار بی وفاست

بر من چو عمر می‌گذرد پیر از آن شدم

انتظار رعایت جانب خویش از دیگران

(۱) به جبر خاطر ما کوش کاین کلاه نمد

بسا شکست که با افسر شهی آورد

(۲) قد خمیده ما سهلت نماید اما

بر چشم دشمنان تیر از این کمان توان زد

۲. کتاب ابیات بحث انگیز حافظ

بر طبق نظر یکی از محققان فاضل معاصر، «سی و شش سال پس از مرگ حافظ، شرف‌الدین علی یزدی ادیب و مورخ سده هشتم و نهم در سال ۸۲۵ هجری قمری، مقدمه‌ای بر دیوان حافظ در شرح معانی بعضی از ابیات نوشته بوده است. ۳ از آن زمان تاکنون، در شرح و معنی ابیات حافظ بزرگ، به روی شارحان بسیاری، با مشربهای فکری مختلف، گشوده بوده و هست، چنان که امروز هر رهروی که بخواهد در این راه قدمی بنهد، نمی‌تواند از آراء و نظریات لااقل برخی از آنان، بی‌نیاز باشد.

جمع‌آوری و معرفی ابیات بحث‌انگیز با ذکر نام شارح و بیان مأخذ دقیق، البته کاری بزرگ است که از حوصله و توان و همت بلند استادانی چون دکتر قیصری برمی‌آید. ایشان در کتاب ۹۰۰ صفحه‌ای به معرفی ۳۱۷ بیت حافظ که در طول تاریخ ادبیات ایران (از قرن نهم تاکنون) به گونه‌ای مورد بحث و تفسیر و معنی قرار گرفته، پرداخته‌اند، البته آقای دکتر قیصری در تألیف این فهرستواره نه مبتکرند و نه پدیدآورنده آخرین کتاب. همان‌گونه که خودشان نیز چنین ادعایی ندارند. چنانکه مثلاً حاجی خلیفه (ف ۱۰۶۸ هـ) در کشف‌الظنون کتابهایی را که به زبانهای فارسی و عربی و ترکی در شرح دیوان حافظ تا زمان او یعنی سده یازدهم هجری نوشته شده معرفی کرده است<sup>۱</sup> و یا در کتاب ارزشمند حافظ‌پژوهان حافظ پژوهی به معرفی ۱۴۹ نسخه خطی که متضمن شرح حافظ است اشاره رفته است<sup>۵</sup> و

در زمان ماه از شمار این فهرستواره‌ها باید به رساله گرانقدر، آقای بهادر باقری تحت عنوان «بررسی و نقد شیوه شرح‌نویسی شعر حافظ، از سده نهم تا پایان سال ۱۳۷۵» اشاره کرد.<sup>۶</sup>

به استناد مطاری کتاب ابیات بحث‌انگیز بیت معروف:

عبوس زهد به وجه خمار نشیند

مرید خرقه دردی کشان خوشخویم

بیشترین شرح و نقد و تفسیر را شامل است، یعنی (۴۱ مرتبه) و

بیت دیگر حافظ یعنی:

پیر ما گفت خطا بر قلم صنع نرفت

آفرین بر نظر پاک خطا پوشش باد

به استناد همین کتاب (۴۰) بار مورد توجه شارحان قرار گرفته

است.

بدیهی است که وجود این‌گونه کتابها برای کسانی که به نحوی با شعر و معنی و تفسیر آن سروکار دارند ضروری است. از این بابت اگر وزارت ارشاد و فرهنگ اسلامی برای کتابخانه‌های عمومی کشور و دانشگاههای کشور برای کتابخانه‌های خویش، اقدام به تهیه چنین مأخذ معتبری بنمایند کار شایسته‌ای انجام داده‌اند. مؤلف محترم کتاب ابیات بحث‌انگیز در مقدمه کتاب وعده فرموده‌اند که «ان‌شاءالله در آینده مجموع آراء و نظریات صاحب‌نظران را که در این کتاب به نام آنان و مطالبشان اشاره کرده‌اند در مجلداتی تقدیم حافظ دوستان و حافظ پژوهان خواهند کرد.

آفرین بر نقت باد که خوش بردی بوی

نکته قابل اشاره دیگر درباره کتاب مزبور این است که خوشبختانه در مقایسه با کتاب گلریز از اغلاط مطبعی کمتری نشان دارد.

پانوشتها:

۱. دیوان ناصر خسرو، به تصحیح مجتبی مینوی، مهدی محقق، ص ۳۷۷، دانشگاه تهران، چاپ دوم.
۲. آنچه درباره حافظ باید دانست، ص ۱۹۴، انتشارات بعثت، چاپ اول.
۳. حافظ آینه‌دار تاریخ، پرویز امور، ص ۲۱، انتشارات شبانیز، چاپ اول.
۴. مأخذ پیشین، ص ۲۲.
۵. فرهنگ حافظ پژوهان، ابوالقاسم رادفر، چاپ اول.
۶. مراجعه شود به کتاب ماه ادبیات و فلسفه شماره ۴۴، ص ۳۰ خرداد ۱۳۸۰.

